

## که شناخته شوند

### مقاله

زهرا گرمی (۹۸ کارشناس مکتب)

«دنیا به قهقرا می‌رفت. وجود او آینه‌ی جهان بود، آتش گرفته از ظلم! طاقت او طاق شده بود! خماری (روسری) بر سر کشید؛ جلبابی (چادر عربی) بر خود پیچید و رفت به جمع «به‌خواب‌رفتگان» تا وجدان‌ها را بیدار کند. شعله‌های کلام گیرا و پرنفوذش زبانه کشید و دل‌ها را ذوب کرد. ولی چشم آنان کورتر از آن شده بود که بتوان آن را بینا کرد!»

راستی می‌توان اثر نوع پوشش ایشان را در رفعت جایگاه و نفوذی که در جامعه داشتند انکار کرد؟ در این شماره قصد داریم از نقطه نظرهای گوناگونی به مقوله‌ی پوشش بانوان بپردازیم به امید آنکه گشایش مسیری باشد در جهت رسیدن به پاسخ درست.

آنچه خواندید، تصویری بود از عزیمت پرشکوه حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها به مسجد مدینه برای خواندن خطبه‌ی فدکیه. [۱] ایشان در یک موقعیت حساس و برحسب ضرورت در اجتماع حاضر شدند و انقلابی در قلوب پدید آوردند. حضوری برای نجات دین اسلام و دفاع از امام زمانه. آیا این نقطه‌ی عطف تاریخی، برداشت ما از حجاب به‌عنوان حصر و تحدید را تصدیق می‌کند؟ آیا به

۱. برگرفته از کتاب سقیفه نوشته‌ی علامه محقق سید مرتضی عسکری



# حکم زینت بخش

نگاهی به آیات قرآن کریم حول مسئله‌ی پوشش و حجاب

به معنای پوشش و - ریشا- به معنای زیبایی را بیان می‌دارد و حدی میانه را برای انسان مشخص می‌کند. در واقع اسلام نگاه شرقی سخت‌گیرانه و نگاه غربی آزادی افراطی را متعادل می‌سازد.

## زینت

در آیه (۳۱) سوره نور داریم، «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا...»؛ و زینت خود را آشکار نسازند مگر آنچه نمایان است.

در این آیه به دو نکته اشاره شده است، یک اینکه در قرآن برای زن زینت به رسمیت شناخته شده و حق مسلم زنان است، (البته زینت در چارچوب دقیق و درست خود نه برای نمایش و تظاهر) و نکته دوم، «ابداء» در آیه است.

واژه ابداء به معنای آشکار سازی بعد از نهانی است. خداوند می‌فرماید: «زینت برای زن است اما او نباید آن را آشکار کند مگر آن مقداری که پدیدار است.» در حقیقت زیبایی‌هایی که زنان از آن‌ها برخوردارند باید در مسیر استحکام بنای اخلاق اجتماعی و نظام خانواده باشد.

زینت انواع مختلفی دارد. در قرآن زینت برای زنان به دو دسته‌ی «ذاتی» و «اکتسابی» تقسیم می‌شود.

زینت ذاتی در وجود خود زن است مانند چشم، ابرو، مو و... در ارتباط با این زینت خداوند در قرآن حدی را معین کرده،

۱) لباس نوعی پوشش و حجاب

۲) لباس موجب زیبایی انسان

افراط در پوشش به معنای خانه‌نشین و منزوی کردن همیشگی زن در خانه و گرفتن تمام اختیارات و امکانات از اوست و تفریط در پوشش زن را ابزاری تجاری و نمایشی در دنیا نشان می‌دهد و او را به عنوان یک عروسک معرفی می‌کند.

پوشش چیزی نیست که اسلام آن را پدید آورده و ایجاد کرده باشد. در ایران، روم، هند و سایر تمدن‌ها تا پیش از ورود اسلام به جوامع در حد خود پوشش داشتند.

## در واقع اسلام نگاه شرقی سخت‌گیرانه و نگاه غربی آزادی افراطی را متعادل می‌سازد

بالاپوش، زیرپوش، روپوش، زنده‌پوش، نوپوش، شیک‌پوش و... واژه‌هایی هستند که برای لباس در زبان پارسی استفاده می‌شوند و همگی با بن مضارع «پوش» همراه هستند.

خداوند سبحان تاکید دارد «وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ»؛ این لباس تقوا برای شما آدمیان خیر است. عفت ظاهری باید به همراه عفت درونی باشد و عدم وجود هریک انسان را دچار مشکل می‌کند. قرآن هر دو کارکرد لباس - یُوَارِي -

«يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوَآتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ ذَٰلِكَ مَنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَكَّرُونَ»؛ ای فرزندان آدم! لباسی برای شما فرستادیم که اندام شما را می‌پوشاند و مایه زینت شماست، اما لباس پرهیزگاری بهتر است. این‌ها (همه) از آیات خداست، تا متذکر (نعمت‌های او) شوند. (سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۲۶)

## لباس

لباس از ریشه «لبس» به معنای «پوشاندن» است. «سَوَاتٍ» به تقاطع ضعف و قسمت‌هایی از بدن گفته می‌شود که گاهی موجب بدی و سوء است. فطرت انسان سالم، اجازه نمی‌دهد که دیگران قسمت‌هایی از بدن او را ببینند، به جز تعداد کمی از انسان‌های دنیا که پوشاندن بدن بر ایشان اهمیتی ندارد. با توجه به مطالب گفته شده، پوشش و لباس در قرآن زن و مرد ندارد و برای هر دو جنس به شکل یکسان ضرورت دارد.

«ریش» به معنای زینت است و استفاده از آن در این آیه، به حسن انسان می‌افزاید و موجب جمال او می‌شود و برای کاستن زیبایی نیست. در این آیه که خداوند در خطاب به انسان درباره عفاف و حجاب می‌گوید، دو دیدگاه وجود دارد:

و پوشاندن صورت (صورت و چهره بدون آرایش) و دست از میچ به پایین را واجب نمیداند، عمده فقها هم هم سخن و هم عقیده با قرآن هستند. عقل و منطق هم، این گفته را تایید می‌کند چرا که صورت، عامل شناخت و ارتباط است و دست هم برای انجام کار.

زینت اکتسابی هم شامل رنگ، لباس و جواهرات و ... است. قرآن درباره این نوع زینت تاکید بر پوشاندن در محافل عمومی جوامع را دارد مگر دو مورد زینت سرمه که برای ضعف چشم است و انگشتر خاتم.

در ادامه آیه داریم «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ»؛ (اطراف) روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود)...

**خمر:** جمع خمار - در قرآن به معنای پوشیدن استفاده شده است. - نام دیگر شراب، خمر است چرا که پوشاننده عقل انسان است - در لغت عرب هم به آن چه موی سر زنان را می‌پوشاند، خمار می‌گویند. یکی از عوامل مهم زیبایی زن، موی سر اوست.:

باز پرسید ز گیسوی شکن در شکنش

کاین دل غمزده سرگشته گرفتار کجاست

انواع مختلفی برای پوشش سر زن داریم که در این جا به شرح مواردی در زبان عرب می‌پردازیم. از ویژگی‌های زبان عرب، واژه‌های مختلف برای تعبیر یکسان و تفاوت‌های جزئی است که این زبان را از دیگر زبان‌های جهان متمایز می‌سازد.

### این کار برای آن است که به عفت و حریت شناخته شوند و از تعرض و جسارت مصون بمانند

**يُخْنُقُ:** پوششی که صرفاً مو و دور سر را می‌پوشاند و گوش‌ها و گردن آشکار هستند، مانند کلاه پرستاران.

**خمار:** پوششی که علاوه بر مو، دور سر و گردن را هم می‌پوشاند، مانند چهارقد در زبان پارسی کهن.

**نصیف:** پوششی که مقداری بیشتر از سر و گردن را پوشاند و نیم تنه را در برگیرد.

**مقنعه:** پوششی که سر و گردن و شانه شاید نیم تنه را شامل شود.

**معجر:** پوششی که علاوه بر موارد بالا مقداری پایین‌تر را هم بپوشاند.

**ردا:** پوششی تا زیر زانو

**جلباب:** پوششی تا پایین پا

### سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که منظور از کلمه جلباب در قرآن به معنای چادر است و یا عبا و ردا؟

مشخص است که با توجه به اسامی گفته شده، در این آیه شریفه خداوند سبحان با استفاده از کلمه خمار حد حجاب را صراحتاً برای زن معین کرده و متأسفانه تفاسیر نادرست زیادی از آیات قرآن در این زمینه ارائه شده که برخاسته از جهالت و عدم آگاهی به ادبیات ابتدایی زبان عرب است.

**چادر:** در آیه ۵۹ سوره احزاب می‌خوانیم: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِمَ أُوْجِحُكُمْ وَتَأْتِيكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَالَا يُؤْذِينَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا»؛ ای پیامبرش به همسران و دختران و زنان مؤمنان بگو جلباب‌ها (روسری‌های بلند) خود را بر خویش فرو افکنند، این کار برای این که شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است، - و اگر تا کنون از آنها خطا و کوتاهی سر زده توبه کنند. - خداوند همواره آمرزنده‌ی رحیم است.

همان طور که در قبل گفته شد جلباب پوششی است که سر تا پا را دربرگیرد. با توجه به کلام معصومین و پیشوایان دین، تمام بدن زن پوشیدگی لازم دارد. جلباب باید به گونه‌ای باشد که پوشش کامل برای حجم بدن را ایجاد کند (لباسی از سر تا پایین پا که کاملاً چسبیده به بدن باشد و همه بخش‌های بدن را نمایان سازد، جلباب نیست)

سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که منظور از کلمه جلباب در قرآن به معنای چادر است و یا عبا و ردا.

جلباب چیز است که تمام حجم بدن را بپوشاند. پس منظور از جلباب عبا، ردا و چادر نیست. اگر لباسی راحت، پوشیده و گشاد تمام حجم بدن یک

زن مسلمان را بپوشاند مصداق جلباب است. اگرچه چادر یک نمونه عینی مورد پذیرش است. فقها پوشش را به حجم و رنگ تعبیر می‌کنند و جلباب موجب هر دوی این امور می‌باشد. پس جلباب در سرزمین‌های مختلف اشکال مختلفی دارد اما هدف و مفهوم همه یکسان و پوشیدگی است.

اما نباید فراموش کرد که لباس خود نباید زینت داشته باشد و جنبه انگشت‌نمایی داشته باشد. تصور کنید زنی با چادر قرمز در جامعه حضور پیدا کند. اگر چه چادر مصداق کامل و عینی جلباب است اما این لباس باعث انگشت‌نمایی وی، می‌شود و منطق پوشش و جامه در قرآن را زیر سوال می‌برد.

### با توجه به مطالب گفته شده، پوشش و لباس در قرآن زن و مرد ندارد و برای هر دو جنس به شکل یکسان ضرورت دارد

حکمت حجاب «ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَالَا يُؤْذِينَ»؛ این کار برای آن است که به عفت و حریت شناخته شوند و از تعرض و جسارت مصون بمانند.

در این آیه دو فلسفه زیبا برای حجاب بیان می‌شود:

**یک)** «أَنْ يُعْرَفْنَ» یعنی زن مسلمان با پوشش، شخصیت و جایگاه درستی پیدا می‌کند و از عروسک شدن برای دیگران در امان می‌ماند. زن می‌تواند منزلت و جایگاه واقعی و ارزشمندی پیدا کند که این یکی از مهم‌ترین فلسفه‌های حجاب در قرآن است.

**دو)** «فَالَا يُؤْذِينَ» یعنی ایجاد مصونیت و محفوظیت. حجاب انسان را از توقعات نا به جا، شهوت‌رانی‌ها، بی‌حرمتی‌ها و اهانت‌ها حفظ می‌کند.

پس طبق آیات شریفه حجاب دو نعمت برای انسان به ارمغان می‌آورد، منزلت، معرفت و ارزش واقعی (برتر از ارزش جسم) و دوری از تعرضات و کامجویی‌ها و لذت بخشی دیگران.

منبع: کتاب «زن از منظر قرآن کریم» نوشته دکتر محمد علی انصاری





مقاله

زینب محمودی

کارشناس میکروبیولوژی  
دانشگاه الزهراء (س)

## جامعه در جامعه

انواع و حدود پوشش در ادیان و کشورهای مختلف

آگاه باشید که سر هر مرد، مسیح است، سر زن، مرد است و سر مسیح خداست. هر مردی که سرپوشیده دعا یا نبوت کند، سر خود را بی حرمت کرده است. و هر زنی که سرپوشیده دعا یا نبوت کند، سر خود را بی حرمت کرده است؛ این کار او درست مانند این است که سر خود را تراشیده باشد. اگر زنی سر خود را نمی پوشاند، پس اصلاً موهای خود را بچیند؛ و اگر برای زن شرم آور است که موهایش را بچیند یا بتراشد، پس باید سر خود را ببوشاند. مرد نباید سر خود را ببوشاند، زیرا او صورت و جلال خداست؛ اما زن، جلال مرد است. زیرا مرد از زن پدید نیامده، بلکه زن از مرد پدید آمده است؛ و مرد برای زن آفریده نشده، بلکه زن برای مرد آفریده شده است. از همین رو، و به خاطر فرشتگان، زن باید نشانی از اقتدار بر سر داشته باشد. با وجود این، در خداوند، نه زن از مرد بی نیاز است، نه مرد از زن. همانگونه که زن از مرد پدید آمد، مرد نیز به واسطه زن پدید می آید، اما پدیدآورنده همه چیز خداست. خود قضاوت کنید: آیا برای زن شایسته است که سرپوشیده به درگاه خدا دعا کند؟ آیا طبیعت امور، خود به شما نمی آموزد که اگر مردی موی بلند داشته باشد، برای او شرم آور است، اما اگر زنی موی بلند داشته باشد، مایه افتخار اوست؟ زیرا موی بلند به عنوان پوشش به زن داده شده است. اما اگر کسی بخواهد آهنگی دیگر ساز کند، باید بگویم که ما را و نیز کلیساهای خدا را چنین رسمی نیست.»<sup>۲</sup>

### حجاب زن در یهودیت

در اصول اخلاقی تلمود که یکی از کتابهای مهم دینی، در حقیقت فقه و آیین نامه زندگی یهودیان است آمده: «اگر زنی به نقض قانون یهودیت می پرداخت

اما مردان نیز، در پیروی از مد، گاهی از پوشش سر استفاده کرده اند به عنوان نمونه، در قرن هجده بهره گرفتن از دستار و پوشش سر از سوی مردان تبدیل به مد شده بود و آنان از این طریق می خواستند مردانگی خود را به نمایش بگذارند.»<sup>۱</sup>

### یونان باستان

زنان در یونان باستان حجابی شبیه چادر داشتند، لباسی بلند که تمامی بدن شان را می پوشاند. پوشش آنها نیز حکایت بر این دارد که، دختران و زنان آنها هنگامی که به بازار یا محل های پر رفت و آمد می رفتند خود را از نگاه مردان می پوشاندند و پارچه بزرگ مانند روسری بر سر داشتند.<sup>۲</sup>

### حجاب زن در ایران باستان

شاید سخت ترین شرایط برای زنان در ایران، مختص برهه ای زمانی ایران باستان بود، چرا که زنان اجازه نداشتند چهره آنها را کسی جز پدران، برادران و همسرانشان ببینند.

حتی این موضوع در دیوارنگاره های تاریخی که از آن دوران بر جای مانده نیز، به خوبی قابل درک است. براساس آنچه در اسناد تاریخی ذکر شده؛ زنان جدایی از این که لباسی بلند بر تن داشتند؛ چادری نیز بر سر می انداختند تا چهره و اندام شان مشخص نشود.

به تعبیری زنان، در دوران ایران باستان دو پیراهن بر تن می کردند زنان در دوره ساسانیان، که دین زرتشت رواج پیدا کرده بود باید صورت خود را می پوشاندند، حتی به هنگام عبادت نیز زنان و مردان آنها، روپندی سفید بر چهره داشتند تا دیده نشوند.<sup>۳</sup>

### زنان در کلیسا

در کتاب انجیل آمده است: «اما می خواهیم

در دنیای امروز، حجاب و چادر تداعی کننده ی نوع پوشش زنان مسلمان است. اما این پوشش با تاریخ چهارهزار ساله که پیشینه ی آن را می توان در گوشه کنار جهان مشاهده کرد، قدمتی به اندازه حیای درونی انسان ها دارد؛ همان طور که آیاتی از قرآن کریم درباره حضرت آدم و همسرش و پوشیده شدن آنها از برگ های درختان نمایان گر این فطرت است. پوششی که گاه جلوه ای نمادین از باوری خاص بوده است، مانند حجاب عابدان در حین عبادت و گاه موضوع رویکردهای متفاوت، مانند قوانین پوششی در جوامع باستانی.

نمایشگاهی که اخیراً در شهر وین برگزار شد، نمایشگر این است که پوشاندن سر تنها به زنان مسلمان محدود نمی شود و چنین امری در همه ی ادیان ابراهیمی معمول و مرسوم بوده و از این منظر، میان دین اسلام مسیحیت و یهودیت تفاوتی وجود نداشته است. تاریخ چادر به هزاران سال پیش، به تمدن های بین النهرین، باز می گردد.

موزه جهان وین گرچه با عرضه ی آثاری از شمال آفریقا، جنوب غربی آسیا، آسیای مرکزی و همچنین نمونه های چادر از گوانمالا و اندونزی، بر آن است تا، تصویر گسترده ای از این پوشش ارائه کند؛ در این نمایشگاه استفاده مردان از چادر را نیز به نمایش گذاشتند، همان گونه که پوشش سر برای زنان تعیین شده است. گاهی در ادیان از مردان نیز خواسته شده در برابر خدا سر خود را ببوشاند، نظیر آنچه در تورات و نزد یهودیان مرسوم است.

چنانچه مثلاً بی‌آنکه چیزی بر سر داشت به میان مردم می‌رفت و یا در شارع عام نخ می‌رشت یا با هر صنفی از مردان درد دل می‌کرد یا صدایش آن‌قدر بلند بود که چون در خانه‌اش تکلم می‌نمود همسایگانش می‌توانستند سخنان را بشنوند، در آن صورت مرد حق داشت بدون پرداخت مهریه او را طلاق دهد.»

حال به برخی از قوانین پوششی در کشورهای مختلف دنیا می‌پردازیم.<sup>۲</sup>

### مصر

برای بانوان در مصر پوشاندن ساق پاها و آرنج دست، به بالا از خوب‌ترین موارد برای رعایت پوشش در کشورهای اسلامی است. برای مردها هم در این کشور بهتر است که سینه‌های خود را بپوشانند و پوشیدن لباس‌هایی با یقه‌های بسیار باز خودداری نمایند.

### عمان

در کشور عمان، اسلام به عنوان مذهب اصلی مردم شناخته می‌شود و همه افراد جامعه چه مرد و چه زن موظف هستند لباس‌های خوب بپوشند. در کشور عمان برای مردان لباس‌های خاصی در نظر گرفته که به نسبت بلند هستند و تا نزدیکی‌های میچ پای آن‌ها را می‌پوشاند و در اصطلاح آن را با نام «دشداشه» می‌شناسند.

در کنار آن‌ها طراحی لباس بانوان، در عمان هم شکل خاصی دارد و به شکل یک لباس با رنگ مشکی در نظر گرفته که آن هم یک نام خاص دارد. در عمان این لباس را با نام «عبا» می‌شناسند.<sup>۳</sup>

### لبنان

در کشور لبنان منطقه ای ساکن گرایش به مذهب اسلام دارد و در بخشی دیگر از آن مسیحیت دین غالب می‌باشد، به همین علت اگر در این کشور بگردید ملاحظه می‌کنید که در بسیاری از قسمت‌های آن مردم به صورت راحت و آزاد لباس می‌پوشند که اگر بخواهیم آنها را با سایر کشورهای اسلامی مقایسه کنیم به این نتیجه می‌رسیم که پوشش آنها محدودیت کمتری دارد.<sup>۴</sup>

### اردن

در کشور اردن برای زنان و مردان قوانین پوشش در نظر گرفته می‌شود، از جمله آن‌که؛ آن‌ها باید لباس‌های بلند به همراه شلوار

های بلندی را بر تن کنند تا با این کار قسمت‌هایی مانند ساق دست‌های خود را بپوشانند.

در کنار این‌ها نیاز است که، لباس انتخابی افراد گردن آنها را هم پوشش دهد. در کشور اردن پوشیدن لباس‌های تنگ و بدن‌نما برای بانوان ممنوع است و باید لباس آزاد و راحت بر تن کنند. دیگر قوانین جالب اردن قانون خشک بودن موی زنان در مکان عمومی است، موی بانوان نباید خیس باشد چون ممکن است مشکلاتی نظیر مشکلات جنسی را فراهم آورد. حتی موی زنان هم در این کشور به نوعی کنترل می‌شود و باید موی خود را بلند نگه دارند، ولی باید به این موضوع دقت کافی را داشته باشیم که هستند بانوانی که بر سر خود روسری می‌بندند.<sup>۵</sup>



Mind over matter, Sloitude Suzanna Jongman

### عربستان سعودی

در کشور عربستان سعودی شما بانوان را بدون پوشش مو در جاهای عمومی مشاهده نمی‌کنید و حتی تعداد زیادی از بانوان در این کشور به استفاده از نقاب و روبنده مبادرت می‌ورزند. قوانین کشور به نوعی است که عمدتاً تمامی قسمت‌های بدن خود را با لباس‌ها حفظ می‌کنند. گاهی نمی‌توان صورت‌ها را هم مشاهده نمود و تنها می‌توان چشم‌های آنها را دید که از لای روبنده آن‌ها به نمایش می‌گذارند.

شهر ریاض پایتخت کشور عربستان است و به نوعی می‌توان آن را پایتخت دینی این کشور هم محسوب کرد. در آن حتی قوانین

از این هم سخت‌گیرانه‌تر است و بانوان نیاز است که در مورد مسئله حجاب با پوشش‌هایی وارد این شهر شوند که از نظر فرهنگ مرسوم جامعه پذیرفته شده باشد.

آنها برای حضور در مکان‌های عمومی مانند بازارها، نیازمند رعایت تشدید قوانین هستند. کشور عربستان همانند بسیاری از کشورهای اسلامی پوشیدن لباس شنا در مناطق غیر از ساحل و از استخرهای مخصوص مجاز نمی‌باشد و خلاف قوانین است. برخلاف تصور خیلی از افراد حتی در کشورهای غیر مسلمان نیز قوانین سختگیرانه در مورد پوشش وجود دارد. برای مثال در برزیل برخلاف آنچه در مورد برزیل و نوع پوشش در آن تصور می‌شود، این کشور قوانین سختگیرانه‌ای درباره پوشش وضع کرده است. در ماده ۲۳۳ قانون کیفری برزیل هرگونه عمل منافی عفت عمومی یا نمایش اجزای بدن در ملاءعام، محکومیتی معادل سه ماه تا یک سال حبس در پی خواهد داشت، یا در استرالیا، در ملیورن استرالیا، پوشیدن هرگونه لباس سبک زنانه برای مردان ممنوع است. بر اساس قانون قدیمی، مردان حق ندارند در ملاءعام پیراهن زنانه به تن داشته باشند.<sup>۶</sup>

### حجاب الزامی در واتیکان

در سال ۲۰۱۰ نیز قانونی از سوی واتیکان مقرر پاپ در رم، صادر شد که بر اساس آن گردشگران در بازدید از این مکان ملزم به رعایت قانون حجاب شدند.

این قانون که از طریق نصب تابلوهایی در جاهای مختلف این اسقف‌نشین به اطلاع عموم می‌رسد، تنها شامل زنان نبوده و مردان نیز از آن مستثنی نیستند. بازدیدکنندگان حین ورود می‌بایست خود را پوشانده و پوشش نسبی داشته باشد اجرای این محدودیت حتی در فصل تابستان نیز با وجود گرمای هوا الزامی است.<sup>۷</sup>

منابع:

۱. رازگشایی و رونمایی از تاریخ چادر و حجاب، دویچه وله
۲. دانشمندان غربی درباره‌ی حجاب چه نظری دارند، خبرگزاری تسنیم
۳. قوانین پوشش در کشورهای مختلف دنیا، همگردی
۴. قوانین پوشش در کشورهای مختلف دنیا، مشرق نیوز



## که شناخته شوند

برگرفته از کتاب «حجاب» نوشته‌ی شهید مطهری

### آرامش روانی

نبودن حریم میان زن و مرد و آزادی معاشرت‌های بی‌بند و بار هیجان‌ها و التهاب‌های جنسی را فزونی می‌بخشد و تقاضای روابط جنسی را به صورت یک عطش روحی و یک خواست اشباع‌نشده درمی‌آورد. گزینه جنسی‌گریزهای نیرومند، عمیق و «دریا صفت» است، هرچه بیشتر اطاعت شود سرکش‌تر می‌گردد، همچون آتش که هرچه به آن بیشتر خوراک بدهند شعله‌ورتر می‌شود.

### استحکام پیوند خانوادگی

شک نیست که هر چیزی که موجب تحکیم پیوند خانوادگی و سبب صمیمیت رابطه زوجین گردد برای کانون خانواده مفید است و در ایجاد آن باید حداکثر کوشش انجام شود، و بالعکس هر چیزی که باعث سستی روابط زوجین و دلسردی آنان گردد به حال زندگی خانوادگی

### فلسفه پوشش اسلامی چند چیز است، بعضی از آنها جنبه روانی دارد و بعضی جنبه خانگی و خانوادگی و بعضی دیگر جنبه اجتماعی و بعضی مربوط است به بالابردن احترام زن و جلوگیری از ابتذال او

زبان‌آور است و باید با آن مبارزه کرد. فلسفه پوشش و منع کامیابی جنسی از غیرهمسر مشروع، از نظر اجتماع خانوادگی این است که همسر قانونی شخص از لحاظ روانی عامل خوشبخت کردن او به شمار برود؛ در حالی که در سیستم آزادی کامیابی، همسر قانونی از لحاظ روانی یک نفر رقیب و مزاحم و زندانبان به شمار می‌رود و در نتیجه کانون خانوادگی براساس دشمنی و نفرت پایه‌گذاری می‌شود.

### استواری اجتماع

کشانیدن تمتعات جنسی از محیط خانه به اجتماع، نیروی کار و فعالیت اجتماع را ضعیف می‌کند. برعکس آنچه که مخالفین حجاب خرده‌گیری کرده‌اند و گفته‌اند:

معنای لغوی «حجاب» که در عصر ما این کلمه برای پوشش معروف شده است، چیست؟ کلمه «حجاب» هم به معنی پوشیدن است و هم به معنی پرده و حاجب. بیشتر، استعمالش به معنی پرده است. این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش می‌دهد که پرده وسیله پوشش است، و شاید بتوان گفت که به حسب اصل لغت، هر پوششی حجاب نیست، آن پوشش «حجاب» نامیده می‌شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد.

استعمال کلمه «حجاب» در مورد پوشش زن یک اصطلاح نسبتاً جدید است. در قدیم و مخصوصاً در اصطلاح فقها کلمه «ستر» که به معنی پوشش است به کار رفته است. همین امر موجب شده که عده زیادی گمان کنند که اسلام خواسته است زن همیشه پشت پرده و در خانه محبوس باشد و بیرون نرود. اما اینکه چطور در عصر اخیر به جای اصطلاح رایج فقها یعنی ستر و پوشش کلمه حجاب و پرده و پردگی شایع شده است مجهول است، و شاید از ناحیه اشتباه کردن حجاب اسلامی به حجاب‌هایی که در سایر ملل مرسوم بوده است باشد.

فلسفه پوشش اسلامی چند چیز است، بعضی از آنها جنبه روانی دارد و بعضی جنبه خانگی و خانوادگی و بعضی دیگر جنبه اجتماعی و بعضی مربوط است به بالابردن احترام زن و جلوگیری از ابتذال او. حجاب در اسلام از یک مسئله کلی‌تر و اساسی‌تری ریشه می‌گیرد و آن این است که اسلام می‌خواهد انواع التذاهای جنسی، چه بصری و لمسی و چه نوع دیگر، به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج قانونی اختصاص یابد، اجتماع منحصرراً برای کار و فعالیت باشد. برخلاف سیستم غربی عصر حاضر که کار و فعالیت را با لذت جویی‌های جنسی به هم می‌آمیزد، اسلام می‌خواهد این دو محیط را کاملاً از یکدیگر تفکیک کند. اکنون به شرح چهار قسمت فوق می‌پردازیم:

«حجاب موجب فلج کردن نیروی نیمی از افراد اجتماع است» بی‌حجابی و ترویج روابط آزاد جنسی، موجب فلج کردن نیروی اجتماع است. آنچه موجب فلج کردن نیروی زن و حبس استعدادهای اوست حجاب به صورت زندانی کردن زن و محروم ساختن او از فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی است و در اسلام چنین چیزی وجود ندارد. اسلام نه می‌گوید که زن از خانه بیرون نرود و نه می‌گوید حق تحصیل علم و دانش ندارد- بلکه علم و دانش را فریضه مشترک زن و مرد دانسته است- و نه فعالیت اقتصادی خاصی را برای زن تحریم می‌کند. اسلام هرگز نمی‌خواهد زن بیکار باشد و حجاب مانع هیچ‌گونه فعالیت فرهنگی یا اجتماعی یا اقتصادی نیست. آنچه موجب فلج کردن نیروی اجتماع است آلوده کردن محیط کار به لذت جویی‌های شهوانی است. آیا اگر مردی در خیابان و بازار و اداره و کارخانه و غیره با قیافه‌های محرک و مهیج زنان آرایش کرده دائماً مواجه باشد بهتر سرگرم کار و فعالیت می‌شود یا در محیطی که با چنین مناظری روبرو نشود؟

### ارزش و احترام زن

حریم نگه داشتن زن میان خود و مرد یکی از وسائل بوده است که زن برای حفظ مقام و موقع خود در برابر مرد از آن استفاده کرده است. اسلام زن را تشویق کرده است که از این وسیله استفاده کند. اسلام مخصوصاً تأکید کرده است که زن هر اندازه متین‌تر و باوقارتر و عقیف‌تر حرکت کند و خود را در معرض نمایش برای مرد نگذارد بر احترامش افزوده می‌شود. در تفسیر آیات سوره احزاب قرآن کریم پس از آنکه توصیه می‌کند زنان خود را بپوشانند می‌فرماید: «ذَلِك اذْنِي اَنْ يَعْزِفْنَ فَلَا يُؤْذِنْنَ»؛ یعنی این کار برای اینکه به عفاف شناخته شوند و معلوم شود خود را در اختیار مردان قرار نمی‌دهند، بهتر است.

منبع: کتاب «حجاب» نوشته شهید مطهری

# مسلمانان مخالف قانون

## پوشش اجتماعی بخوانند!

مروری بر ادله وجود قوانین اجتماعی در مورد پوشش اسلامی

پرداخت نفقه به همسر و فرزندان توسط مرد، از جمله قوانین الهی است که می‌توان الزام آن را برای اجتماع مسلمین روشن کرد و از طرفی نیز اگر به این قانون عمل نشود، می‌توان روند پیگیری حقوقی آن را در قوانین اجتماعی تصریح کرد. پس در حال حاضر بر مسلمانان واجب است این قانون را در اجتماع پیاده کنند. چه در صدر اسلام این قانون در اجتماع پیاده شده باشد و چه نشده باشد.

### و اما حجاب!

درباره حجاب و به صورت خاص پوشش بانوان، دو نوع حکم وجود دارد. یکی تکلیفی است و دیگری وضعی. در مورد حکم تکلیفی که به محدوده حجاب بانوان نمازگزار می‌پردازد، در حالیکه در وضعیت مواجهه با نامحرم قرار نگرفته‌اند، اساساً پرداخت قانونی بی‌معناست. ولی درباره حکم وضعی که به محدوده پوشش بانوان در وضعیتی که با نامحرم مواجه شود می‌پردازد، اگر امکان الزام اجتماعی و پیگیری حقوقی داشته باشد، طبیعتاً اصل پرداخت قانونی به این موضوع نمی‌تواند محل اشکال قرار بگیرد.

در بررسی امکان الزام اجتماعی، این مسئله قابل توجه است که قانون‌گذاران در جمهوری اسلامی دو سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی، یعنی در سال ۵۹ به این نتیجه رسیدند که جامعه کنونی ایران امکان پذیرش این الزام اجتماعی را دارد و ضوابط پیگیری حقوقی این قانون را نیز قابل وضع شدن دیدند و با این مقدمات پرداخت به این قانون به صورت اجتماعی بر مسلمانان جمهوری اسلامی واجب شد.

از نظر بنده، خطاهایی در جزئیات مربوط به نگارش قانون درباره پوشش وجود دارد که قابل بازبینی و اصلاح است و نمی‌توان وجود کج سلیقه‌هایی که در نحوه اجرای قوانین و نظارت بر آنها رخ داده است، کتمان کرد اما با همه این اوصاف، نمی‌توانیم به جایی برسیم که اصل وجوب وضع قوانین اجتماعی برای حکم وضعی حجاب را نفی کنیم، مگر زمانی که مسلمانان به این نتیجه برسند که امکان الزام اجتماعی و همچنین پیگیری حقوقی این قانون از دست رفته است.

برای هر فرد مکلف، صادق است. چه آن فرد حیات انفرادی داشته باشد و چه حیات جمعی! مثلاً حکم وجوب به جا آوردن نمازهای یومیه یا روزه‌داری در ماه رمضان برای هر فرد مکلف. یا حکم حرمت خودکشی. برای این دسته از تکالیف، که اصطلاحاً احکام تکلیفی گفته می‌شوند، اساساً وضع قوانین اجتماعی بی‌معناست. احکام وضعی، تکالیفی هستند که وجوب یا حرمتشان زمانی بر افراد مسجل می‌شود که در وضعیت و شرایط خاصی از نظر ارتباط با افراد و مکان‌ها قرار بگیرند. حکمت این تکالیف، حقوق و وظایفی است که افراد در ارتباط با هم و با مواضع مختلف برایشان صدق خواهد کرد. مثلاً حکم حرمت قتل انسان‌های بی‌گناه یا حکم وجوب پرداخت نفقه همسر و فرزندان.

### حکمت وضع قوانین الهی در اجتماع چیست؟

یکی از دلایل مهم وضع قوانین اجتماعی، جلوگیری از پیمانال شدن حقوق افراد توسط دیگران است. حال اگر تشخیص دهنده اصلی حقوق و وظایف انسان‌ها نسبت به یکدیگر را خالق آن‌ها بدانیم، مطمئناً دستورات الهی یکی از مهم‌ترین منابع مسلمانان برای وضع قانون‌های اجتماعی خواهد بود. البته باید به این نکته دقت کرد که حقوق فردی انسان‌ها در ارتباط با پروردگار، یعنی احکام تکلیفی، مدنظر قانون‌گذار نیست، بلکه این احکام وضعی هستند که می‌توانند از مواردی باشند که قانون‌گذاران باید آن‌ها را مورد توجه ویژه قرار دهند و اصل پرداختن قانون‌گذاران به این احکام را نمی‌توان زیر سوال برد. با این حال همه این قوانین الهی با این که مطمئنیم حکمتی به جز هدایت انسان‌ها در پس آن‌ها پنهان نیست، توانایی تبدیل شدن به قوانین اجتماعی را ندارند. در واقع برای تبدیل آن‌ها به قوانین اجتماعی، بایستی امکان الزام اجتماعی و پیگیری حقوقی داشته باشد و از طرفی اگر این امکان برای قوانین وضعی وجود داشته باشد، بر مسلمانان واجب می‌شود این قوانین را در اجتماع پیاده کنند. مثلاً حکم وضعی

مسلمانان مخالف قانونی شدن حجاب را می‌توان در دو دسته اصلی قرار داد:

- دسته‌ای که اصل وجوب حجاب شرعی را در فقه مربوط به دین اسلام نفی می‌کنند.
- دسته‌ای که اصل وجوب حجاب شرعی را در دین اسلام قبول دارند، ولی با قانونی شدن آن در جامعه مخالفند.

غالب استنادات دسته اول ناظر به نظرات افراد انگشت شماری مانند ابن جنید، میرزای قمی و فیض کاشانی است، که ادعا می‌شود این افراد حکم قطعی برای وجوب پوشاندن موی سر بانوان نداده‌اند. اما آیا واقعاً چنین است؟

داستان از جایی شروع می‌شود که حکم محدوده پوشش در بانوان در هنگام نمازگزار و در هنگام مواجهه با نامحرم، دو حکم متفاوت است و این متفاوت بودن حکم از همان قرون ابتدایی مورد توجه بوده است. ظاهراً حکمی که از زبان افراد نامبرده ذکر می‌شود، مربوط به زمان نمازگزار بانوان بوده است و نه زمان مواجهه ایشان با نامحرم.

در نتیجه، ادعای دسته اول با استنادات ضعیفی که ارائه می‌دهند، زیاد محل بحث نیست و اصل حکم وجوب حجاب در مواجهه با نامحرم، محل اجماع حداکثری فقهای مسلمان، چه شیعه و چه اهل سنت، می‌باشد. قابل توجه است که این اصل اسلامی، جزو محدود احکامی است که اتفاق نظر و اجماع حداکثری فقیهان شیعه و سنی حتی در حدود آن نیز وارد شده است و در جزئیات اندکی، نظرات متفاوت است.

دسته دوم بیش از دسته اول طرفدار دارد، اما این افراد ظاهراً نکته مهمی درباره احکام شرعی را سهواً یا عمدتاً نادیده گرفته‌اند. احکام شریعت دو دسته‌اند: یا تکلیفی‌اند و یا وضعی.

احکام تکلیفی، آن احکامی هستند که به وظایف شخصی هر یک از مسلمانان نزد پروردگار می‌پردازند و این احکام همواره



# جان کلام

گردآورنده: محدثه کاظمی (۹۵ کارشناس فیزیک)

## ۱ عدم منافات بین رعایت حجاب و انجام وظایف اجتماعی

اینکه گفته می‌شد - و البته هنوز هم بعضی‌ها با غفلت تمام می‌گویند - مگر می‌شود با حجاب و با رعایت حدود شرعی و اسلامی، جامعه‌ی زنان رشد کند، تکلیف مسئله‌ی زن در نظام اسلامی چه می‌شود. این جواب عملی‌اش جواب عین‌اش، همین وجود مجموعه‌ی عظیم نخبگان زن در جامعه‌ی ماست که هیچ‌وقت ما در کشور چنین وضعی را نداشتیم؛ در دوره‌ی طاغوت هم نبوده، قبل از آن هم که وضع تعلیم و تربیت از جهت دیگری اشکال داشته. امروز در نظام اسلامی بحمدالله این فراهم است. حالا تعداد بیشتر برگزیدگان دختر در دانشگاه‌ها و امثال آن، این‌ها مسائل درجه دو است؛ مسئله‌ی درجه یک این است که همین مجموعه‌ی زنان نخبه توانسته‌اند در نظام جمهوری اسلامی در بخش‌های مختلف بدرخشند.

(بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جمع کثیری از زنان نخبه در آستانه‌ی سالروز میلاد حضرت فاطمه‌الزهرا سلام الله علیها (۱۳/۰۴/۱۳۸۶))

## ۲ حجاب اسلامی حافظ ارزش‌های زن

و البته باید توجه داشته باشید که حجابی که اسلام قرار داده است، برای حفظ آن ارزش‌های شماست. هرچه را که خدا دستور فرموده است - چه برای زن و چه برای مرد - برای این است که، آن ارزش‌های واقعی که این‌ها دارند و ممکن است به واسطه‌ی وسوسه‌های شیطان یا دست‌های فاسد استعمار و عمال استعمار پایمال می‌شدند این‌ها، این ارزش‌ها زنده شوند، و خداوند به همی ما توفیق بدهد که خدمت کنیم به این ملت و اسلام.

(صحیفه امام خمینی (ره)، ج ۱۹، ص ۱۸۴)

## ۳

## گرایش به مدگرایی و نمایش در مقابل مردان؛ از بزرگترین عوامل انحراف جامعه و زنان

به اعتقاد من، گرایش به سمت مدگرایی و تجمل‌گرایی و تازه‌طلبی و افراط در کار آرایش و نمایش در مقابل مردان، یکی از بزرگترین عوامل انحراف جامعه و انحراف زنان ماست. در مقابل این‌ها، خانم بایستی مقاومت کند.

آن‌ها برای اینکه از زن، آن‌چنان موجودی به وجود بیاورند که مورد نظر خودشان است، محتاج این هستند که دائما مد درست کنند و چشم‌ها و دل‌ها و ذهن‌ها را به همین چیزهای ظاهری و کوتاه‌نظرانه مشغول کنند. کیسه که به این چیزها مشغول شد که به ارزش‌های واقعی خواهد رسید؟ مجال پیدا نمی‌کند برسد. زنی که در فکر باشد از خود وسیله‌ای برای جلب نظر مردان بسازد، که فرصت این را پیدا خواهد کرد که به طهارت اخلاق فکر کند و بیندیشد؟ مگر چنین چیزی ممکن است؟ آن‌ها این را می‌خواهند. آن‌ها مایل نیستند که زنان جوامع دنیای سوم، دارای فکر روشن و آرمان‌خواه باشند؛ خودشان دنبال هدف‌های بزرگ حرکت کنند و شوهر و فرزند خود را هم حرکت بدهند. زنان جوان در جامعه‌ی ما باید خیلی مراقب باشند، تا این کمند ناپیدای بسیار خطرناک فرهنگ و تفکر غربی را بشناسند؛ از آن پرهیز کنند و جامعه‌ی زنان را از آن جدا و بر حذر بدارند.

(بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جمع کثیری از پرستاران به مناسبت میلاد حضرت زینب‌کبری سلام الله علیها و روز پرستار (۲۲/۰۸/۱۳۷۰))



# چرا پوشش؟

تحلیلی بر نظرسنجی صورت گرفته پیرامون حجاب

بهار

که در صورت عدم وجود قانون حجاب، باز هم خود را ملزم به رعایت پوشش می‌دانند که این نتیجه نشان دهنده احتمال حضور طیف مذهبی حاضر در جامعه آماری می‌باشد.

سؤال بعدی، سؤالی با عبارت کلیدی «محدودیت‌های خانوادگی»، به بررسی تأثیر فشارهای محیطی و انتظارات اطرافیان به عنوان یکی از موانع موجود در تصمیم‌گیری ۲۰ درصد از جامعه آماری این پرسشنامه در عدم انتخاب حدود حجاب اسلامی پرداخته‌است.

و اما تقابل نظرات را می‌توان در سؤال بعدی یافت؛ توزیع پاسخ‌ها به گونه‌ای است که به طور میانگین می‌توان به تمام گزینه‌ها ۲۰ درصد از آرا را نسبت داد. البته بار نظرات موافق، کمی بیشتر از مخالفین گزاره‌ی «به نظرم نوع رفتار افراد مذهبی، عاملی مؤثر در تمایل / عدم تمایل من نسبت به آموزه‌های اسلامی است» بود. نرم‌خویی و مدارا کردن با مردم یکی از مهم‌ترین صفاتی است که پیامبر اسلام (ص) به واسطه‌ی آنها بسیاری را هدایت کردند (آل عمران - ۱۵۹). تبلیغات ایشان همواره همراه با این صفات و عاری از خشونت و رعب و وحشت بود. در حدیثی ایشان فرمودند: «مدارا کردن با مردم نصف ایمان و مهر ورزیدن با مردم نصف زندگی است.» (کلینی، ش ۱۳۵۰، ج ۲، ص ۱۱۷، ح ۵).

در سؤال بعدی بیش از ۶۰ درصد آرا با بیشتر بودن تأکید بر پوشش زنان نسبت به مردان، در آموزه‌های دینی هم‌نظر بودند. سه چهارم نظرات در سؤال نهایی نیز با عدم تعارض پوشش تعریف شده در اسلام با کرامت انسانی اذعان داشتند.

در پایان لازم به ذکر است که با توجه به تعداد افرادی که در این نظرسنجی شرکت کرده‌اند و همچنین یکنواخت نبودن جامعه آماری، نتایج این نظرسنجی قطعی نیست.

این پرسشنامه با جامعه آماری ۹۵ نفری خود، در پاییز ۹۸ در کانال شریف دخت منتشر شد.

بیش از ۱۰ درصد از این جامعه آماری از این که هر فرد در جامعه، فارغ از جنسیت موظف به رعایت حدودی از پوشش است اعتقادی نداشتند؛ این به آن معناست که از هر ۱۰ نفر یک نفر از چرایی و علت پوشش اطلاعی ندارد. البته لازم به ذکر است که با توجه به صورت سؤال کلمه‌ی پوشش لزوماً به معنای پوشش توصیه شده در متون اسلامی نیست؛ نزدیک به ۸۳ درصد نیز با این گزاره موافق بودند.

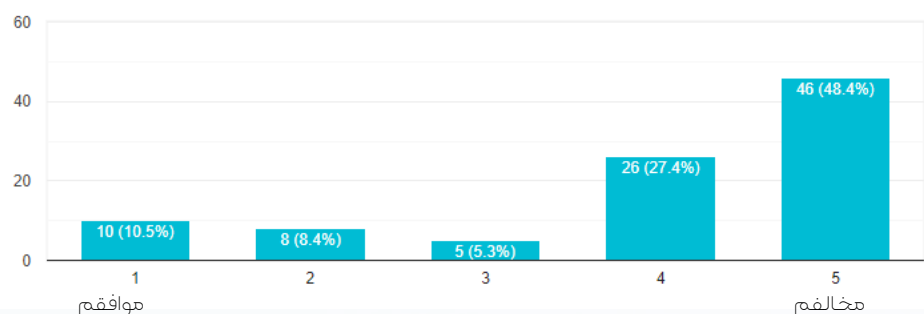
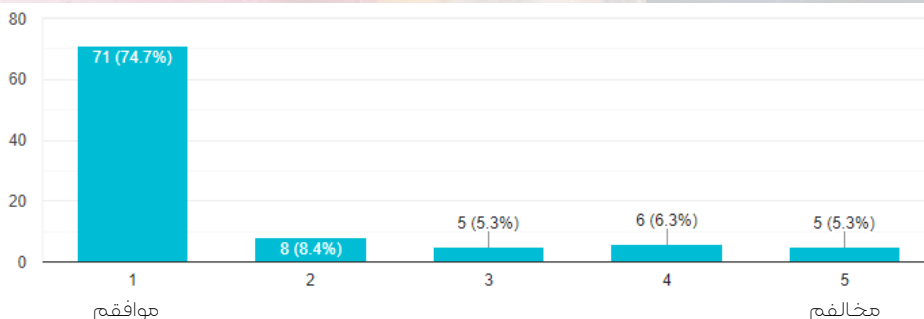
دومین سؤال این نظرسنجی از دو بخش تشکیل شده‌است که لزوماً جواب قسمت اول با دوم یکسان نیست و این ایراد به طراح سؤال وارد می‌گردد اما با چشم‌پوشی از این اشکال بیش از ۲۵ درصد آرا، مخالف آن بودند که تعیین حدود پوشش امری شخصی است و تأثیری بر جامعه ندارد. یکی از نتایجی که به ذهن خطور می‌کند آن است که ۱۰ درصد از افرادی که به لزوم رعایت پوشش معتقدند، به بی‌اثر بودن حدود پوشش بر جامعه نیز اعتقاد دارند که میزان توجه لازم بر تبیین اثرات اجتماعی حجاب برای دانشجویان را بیان می‌کند.

گزاره‌ی بعدی که مورد پرسش قرار گرفت، رابطه‌ی قوانین موجود در مورد حد پوشش در فضای آکادمیک غیر ایرانی و تأثیر آن بر جامعه‌ی دانشجویی بود. پارامتری که در این سؤال در قیاس با سؤال‌های پیشین بسیار به چشم می‌آید، افزایش تعداد افراد ممتنع بود (نزدیک به ۲۰ درصد). با توجه به فضای فعلی موجود در دانشگاه می‌توان انتظار چنین نتیجه‌ای را داشت اما برای بررسی بیشتر این موضوع باید تلاش کرد.

سؤال بعدی را می‌توان نقطه‌ی عطف این پرسشنامه نامید؛ سؤالی که ذهن‌های بسیاری را به خود مشغول کرده‌است: «قانون حجاب»، نزدیک به ۸۰ درصد از جامعه آماری گفته‌اند

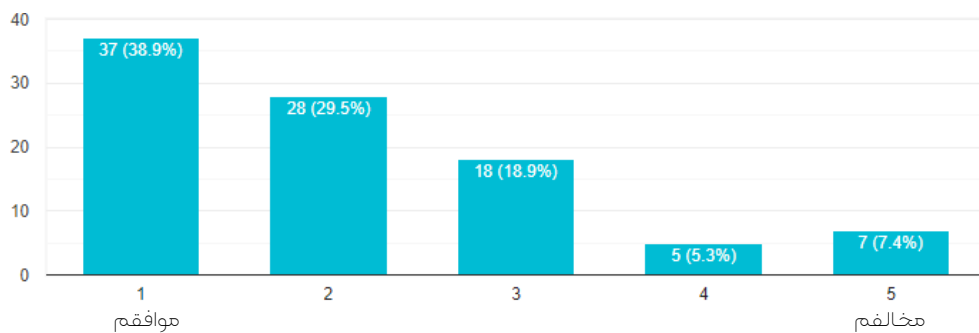
۱. معتقدم هر فرد در جامعه، چه زن چه مرد، موظف به رعایت حدودی از پوشش است.

۲. به نظرم تعیین «حدود» پوشش امری شخصی است و تأثیری بر جامعه ندارد.

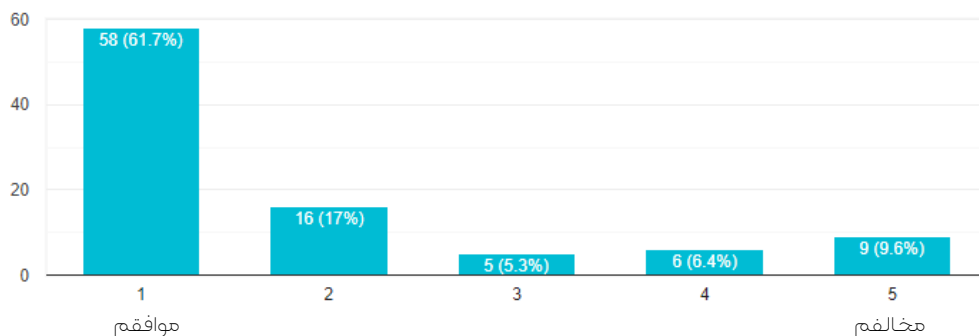




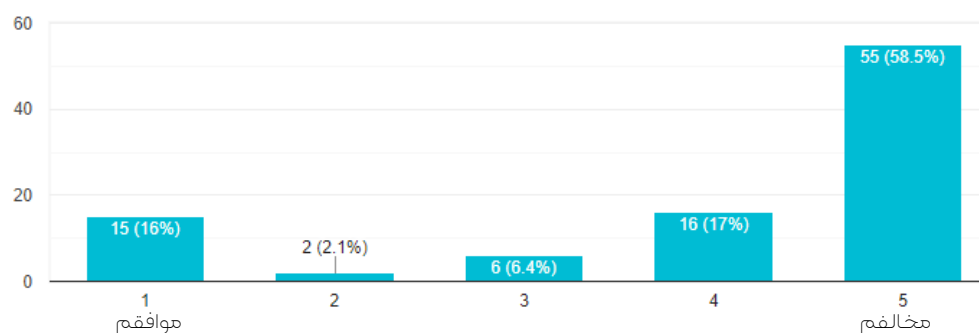
۳. قوانین موجود در مورد حد پوشش در دانشگاه های خارج از ایران، صرف نظر از دین و شریعت، نشان دهنده ی تاثیر پوشش بر جامعه ی دانشجویان است.



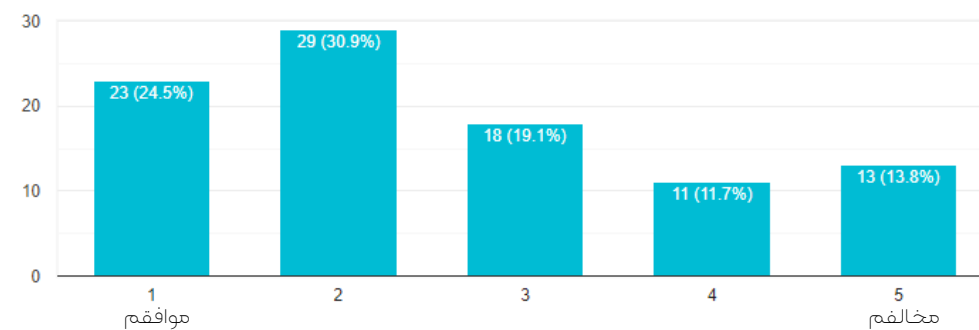
۴. اگر قانونی در مورد حجاب در کشور وجود نداشت، بازهم خود را ملزم به رعایت پوشش می دانستم.



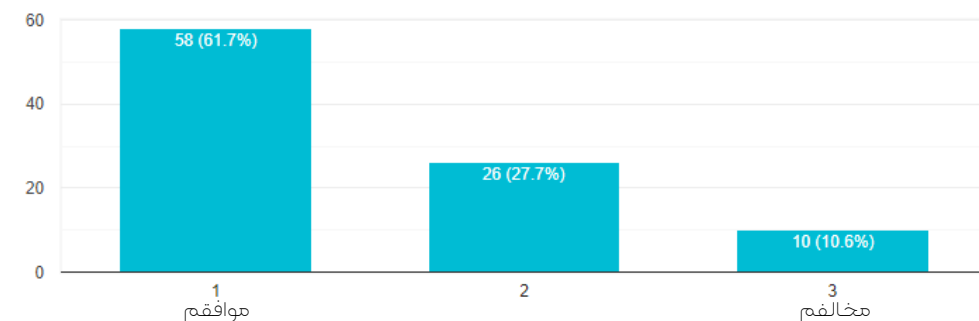
۵. اگر محدودیت های خانوادگی و تغییر رفتار اطرافیانم نبود، حجاب اسلامی را رعایت نمی کردم.



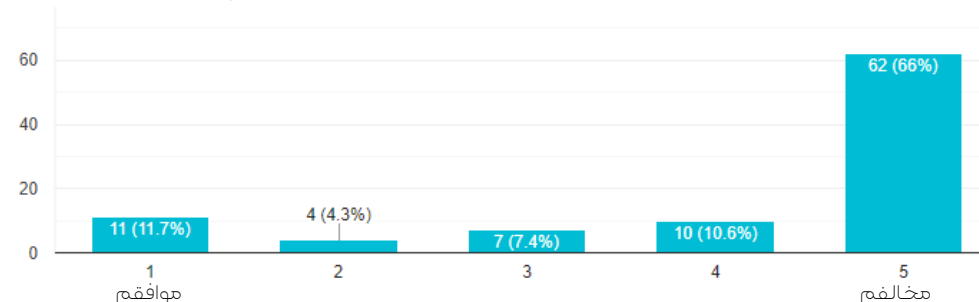
۶. به نظرم نوع رفتار افراد مذهبی عاملی موثر در تمایل / عدم تمایل من نسبت به آموزه های اسلامی است.



۷. در آموزش های دینی، بیشترین تاکید در مورد پوشش زنان است تا مردان.



۸. پوششی که در اسلام تعریف شده است، با کرامت انسانی در تعارض است.





## چرخ در بازار مستوری

ما دختران و تعدد گالی‌های حجاب

عکس از

Terri Bleeker

مهاجرتریم؟ مهاجریم بین حالی به حالی، بین مکانی در ذهن و سلايقمان به مکانی... و این همه کوچ متعدد در یک زندگی، برای تغییری که بلکه ما را به یکجانشینی درونی برساند؟!

درک این که من باید از راه عمل به مقدمات ظاهری؛ برای مثال به سکون و آرامش در تمام حرکاتم از جمله انتخاب‌هایم، به آرامش درونی برسیم، خیلی شبیه به درک این مسئله است که من باید واجبات حرکتی دین اسلام را انجام بدهم تا به نتایج باطنی‌اش برسیم و هر دوی این‌ها چیزهایی است که ما در آشفته بازار دنیا فراموش می‌کنیم. حساب و کتابمان عوض شده. می‌گویم فراموشی؛ چون لوح محفوظ اصالت در وجود همه‌ی ما هست. مثل تکه حافظه‌ای از دست‌ها رفته، که صد البته خدا اگر بخواهد همان را هم طراوت و حیات مجدد می‌بخشد؛ اما شاید منتظر است ببیند ما متمدنان تا کجا پی‌آرامشی تقلین، می‌دویم و شلوغ‌بازی درمی‌آوریم!

### بازارگر می‌خواهد برای آرامبخش‌های تشویش‌آفرین

سال پیش از کنکور، به دلایلی مثل استقلال در انتخاب، آزمودن دین به روش خودم و اسلام آوردن از نو و نه شناسنامه‌ای، حجاب چادر را کمرنگ کردم؛ هم زمان از ترکیب مانتوها در

کنم؟ اصلاً بهتر از مسلم هست یا نیست؟ اگر بازارچه‌ی بهتری هست بروم آن‌جا و...» می‌افتم. از طرفی عده‌ای از ما اصلاً به شوق همین گریز از بازی‌های اقتصادی است که فقط به مسلم چشم دوخته‌ایم. دلمان یک خاطره‌ی ثابت و خوشمزه می‌خواهد. اگر یکی از آن ساندویچ کثیفی‌های خاطره‌انگیز هم آن بالا بود، ما باز قله‌ی همه‌می بازار را فتح می‌کردیم تا به آن حس اصالت و یکجانشینی دست بیاییم. این از ما اصالت‌پسندها. نمی‌گویم با اصالت و بی‌اصالت! میل به یک نوع آرام گرفتن با اصولیات و اکتفا و قناعت را می‌گویم.

بیایید با واژگان بازی کنیم؛ این کار در کمترین حالت، به انسان در یادآوری اصل معانی کمک می‌کند. وقتی من می‌گویم یکجانشینی، چون دارم از این ادبیات استفاده می‌کنم، بدیهی است که بدانم یکجانشینی در تقابل با کوچ‌نشینی است و در هم‌معنایی با شهرنشینی و تمدن.

### حالا می‌خواهم سوال مطرح کنم!

چطور است که ما متمدنانی هستیم که سابقه‌مان عمیق و تاریخمان ساکن است اما حال و روزمان نه؟ ما چطور یکجانشینانی هستیم که از مهاجران،

در متون ادبیات فارسی، به‌خصوص اگر بخواهیم اشعار حافظ و سعدی و مولوی، این سه عزیز همیشگی را، اندکی عمیق‌تر نگاه کنیم، واژه‌ی «بازار» را واژه‌ای می‌بینیم که شاعر معمولاً وقت حیرانی و تردید در گم کردن چیزی مثل قناعت یا معشوق.

در همه‌می دنیا به آن اشاره می‌کند؛ و یا برعکس، معشوقی را توصیف می‌کند که با ورودش به بازار، کار بازار کساد می‌شود و بازار حسن بر می‌افتد:

در این بازار اگر سودی است با درویش  
خرسند است / خدایا منعم گردان،  
به درویشی و خرسندی (حافظ)

و چه بسا که وی بعد از دعا برای کناره‌گیری از آشفته بازار دنیای زیاده‌خواهی و طلب قناعت از خداوند، این قناعت و رضایت را «نعمت» می‌نامد؛ نعمتی معنوی در برابر کالاهای متعددی که دنیا، شناخته و ناشناخته به او عرضه می‌کند. بازار است و درهم و برهمی‌اش!

به بازار بزرگ تهران نگاه کنیم. خود ما اگر به قصد مغازه‌ها هم نه، به شوق ته‌چین مسلم هم راه بیفتیم سمت بازار، یا حتی قصدش را کنیم، یاد جملاتی شبیه «حالا کدام را انتخاب



بیرون خانه و شومیز دامن‌های ست با روسری در خانه استفاده کردم. دو سه فروشگاه اینترنتی در واقع اینستاگرامی بود که هم دل مرا با گلدارهایش برده بود و هم یک جور پناهگاه برای استقلال و حفظ حجاب توأمان من شده بود. اتفاقاً از جانب خانم‌های چادری فامیل هم خیلی سؤال و استقبال شد و حتی خریداری! متأسفانه

### این کار فقط این زیربناها را مشوش می‌کند و این تنوع دم به دم، اصولاً هیچ بنایی را نخواهد ساخت

من سردمدار این تنوع خواهی شدم؛ وقتی هنوز خودم هم نمی‌دانستم که قرار است این مسیر تا کجا ادامه یابد و تعداد این فروشگاه‌ها تا چه عددی بالا برود. با ورود به دانشگاه هر چقدر آدم‌های بیشتر و جامعه‌ی پیچیده‌تری می‌دیدم، نوع حجابم و البته نه حد حجاب را، تغییر می‌دادم. شعارهای اسلام تمیز و زیبا و جاذب و امر به معروف زیبا، خامم کرد؛ با این که من هرگز به خاطر گیر کردن چادر به پایم کله معلق نشده بودم یا ابداً و هیچ‌گاه لباس‌هایم بوی عرق نمی‌گرفتند. بعد از یک سال کلافگی و خشم در انتخاب بین انواع مانتوهای کوتاه و بلند، شنیدن حرف‌های متفاوت و قضاوت‌ها

### با ورود این همه طرح و دوخت‌ها و چین‌های بی‌شمار به گلزار حجاب، آن را قیمت نمی‌بخشیم... ما به دخترانمان زور نمی‌گوییم اما اگر زمینه‌ی روح‌شان را بشناسیم، در می‌یابیم که آهسته آهسته به آن‌ها ظلم کرده‌ایم

... با عبا آشنا شدم. در واقع ما داشتیم زندگی می‌کردیم و عبا‌های لبنانی و مانتو شلوارهای ترک هم همین‌طور؛ اما چه کسی، این چند پوشش و چند نوع فرهنگ را این‌طور به هم آمیخته بود؟ چه کسی تا این حد از مرزهای فرهنگی و اهمیت این خطوط در حفظ آرامش و پیشرفت و جدیت ملت‌ها و اعتماد به نفس بانوان و آقایانشان، بی‌اطلاع بود؟ یعنی از آن صدها طراح حجاب دامن و عبا و جوراب شلواری و مانتوی تا کف زمین و چادر مشکی با گل‌های فاخر رنگی و... یک کدامشان

به فکر آرامش ما دختران بیست ساله‌ای که تاریخ تمدن و طراحی نخوانده بودیم و فقط دنبال یک آرامش برای شروع تحصیل و زندگی بودیم که خیالمان را راحت کند و رهایمان بگذارد پی کارهای مفید، نبود؟ یعنی سواد طراحی به آن‌ها می‌گفت چشمتان را ببندید و در سریع‌ترین زمان ممکن انواع پارچه‌ها را در طرح‌های یکسان و مانند طراحان قبلی به بازار بریزید؟ من خدا تو مان خرج کرده بودم اما بازار آخر سر و در آخرین مدل، چادر جلابیب خودم را به من عرضه کرده بود. عذاب وجدان اول یک طرف، چون من با درآمد خودم این‌ها را نخریده بودم؛ عذاب وجدان دوم یک طرف، که من چه نقشی در این سردرگمی‌های فرهنگی ایفا کردم؟ چه اتفاقی داشت دور و بر من می‌افتاد؟

### اما چه کسی، این چند پوشش و چند نوع فرهنگ را این‌طور به هم آمیخته بود؟ چه کسی تا این حد از مرزهای فرهنگی و اهمیت این خطوط در حفظ آرامش و پیشرفت و جدیت ملت‌ها و اعتماد به نفس بانوان و آقایانشان، بی‌اطلاع بود؟

یادم می‌آید حال سراسیمه‌ام یک شبی را که با انجمن شاعرانی رفته بودیم نمایشگاه قرآن برای دیدن یک اجرا؛ من میان مراسم بیرون رفتم؛ دور و بر را گشتم؛ رفتم سراغ غرفه‌های حجاب و با مانتو رفتم با یک چادر بحرینی خط اتو دار و به‌طور واضح نو بر سر، برگشتم. فکر می‌کردم باز هم توی راه تمام مردها و زن‌ها نگاهم می‌کنند و برایم اهمیتی نداشت. من از سرگردانی بین «پالت‌های رنگارنگ استقلال»، خسته و بی‌پناه شده بودم. در یک لحظه‌ی خشمگین و تنها، از استقلال منفی‌ام به استقلال منطقی‌ام پناه بردم و در خنکای مصلا‌ی امام (ره)، در استقلال و تنهایی کامل، عزیزترین چادر زندگی‌ام را خریدم و از آن خرج‌های ناب کردم. خدا را شکر.

### قیمت گل برود چون توبه گلزار آید

می‌خواهم خطاب به مدیران مجموعه‌های حجاب بنویسم؛ به

مادران دلسوزم و خواهران به فکرم. این چرخه اگرچه با مهربانی آغاز شده است، اما از زبان من و بسیاری زبان دیگر، که حالا به لطف خدا سفیر آن‌ها در این جمالاتم، قطعاً با منطق جامع و مانعی آغاز نشده است. همین حالا

هم فروشگاه‌های خوبی به هدف ترویج حجاب زیبا و راحت، چادرهای موقر و خوش کیفیت را منحصرأ تولید می‌کنند یا روسری‌های بسیار مرغوب، قواره‌دار، سبک و طبعاً خوش قیمت ایرانی با طرح‌های باوقار تولید می‌کنند که برای تنوع زیر چادرها مناسب و دلنشین است. تقاضای دخترانه و خواهرانه می‌کنم، که اگر می‌خواهید کار فرهنگی انجام دهید و زیربنای حجاب بانوان ایرانی را تقویت کنید، این کار فقط این زیربناها را مشوش می‌کند و این تنوع دم به دم، اصولاً هیچ بنایی را نخواهد ساخت. ما لبنان و ترکیه نیستیم و ساده‌انگارانه است اگر بخواهیم تمدنمان را با افزودن تمدن دیگری پایدارتر کنیم یا با افزودن ظواهر بر ظواهر، باطن و اصل بانوانمان را جلا ببخشیم. لطفاً به دختران نوجوان، جوان و کودکانی که در حجاب مادر و خواهرانشان سرگردانند و به این حال آشفته بازار، رحم کنیم. چرا که با ورود این همه طرح و دوخت‌ها و چین‌های بی‌شمار به گلزار حجاب، آن را قیمت نمی‌بخشیم؛ بلکه با هر یک گزینه‌ی حیرانی‌آور و مجددی که بر جمع آن‌ها تحمیل می‌کنیم از قیمت دخترانمان، گل‌هایمان و ریحانه‌هایمان کم می‌کنیم. ما به آن‌ها زور نمی‌گوییم اما اگر زمینه‌ی روحی‌شان را بشناسیم، در می‌یابیم که آهسته آهسته به آن‌ها ظلم کرده‌ایم. کاش به نفع ریحانگی و لطافت روح دخترانمان، فداکاری بزرگی کنیم و از همین نقطه، قبل از ویرانی، عمود این خیمه را در هم کشیده و این بار با نگاهی به فرهنگ اصالت و زیبایی‌های آن، نقش‌های تازه‌ای بر این پارچه‌ی حریر بزنیم که نه با نخ و سوزن، که با طلای جان دوخته شده باشند.



START YOUR DAY  
WITH A CUP  
COFFEE



# تجربه ناب

از زبان بانوان تازه مسلمان

گردآورنده: نگار دین پڑوه  
(فارغ التحصیل کارشناس فیزیک)

من وقتی با این تاج خود (حجاب) قدم می‌زنم احساس یک ملکه را دارم. به همهی خواهرانم توصیه می‌کنم حجاب داشته باشند و عمیقاً حس کنند که پوشیدگی چه احساس قدرتی به انسان می‌دهد.

—وزان، بانوی تازه مسلمان انگلیس

به همهی زنانی که تسلیم این کلیشهی زشت که برعلیه حجاب اسلام است شده‌اند می‌گویم: شما نمی‌دانید چه چیزی را دارید از دست می‌دهید!

—سارا جوکر، بانوی تازه مسلمان آمریکایی

من یک روسری و یک لباس بلند دقیقاً شبیه مدل پوشش بانوان مسلمان خریدم و در همان خیابانی که چند روز قبل با لباس‌های بدون پوشش خود قدم می‌زدم، کمی پیاده‌روی کردم. همه مردم، چهره‌ها و فروشگاه‌ها به همان شکل گذشته بودند و تنها چیزی که با گذشته متمایز بود آرامش تجربه‌ی یک حس جدید برای اولین بار بود. من احساس می‌کردم از زنجیرها خلاص شده‌ام و بالاخره آزاد شده‌ام!

—سارا جوکر

آن موقع‌ها کتاب حجاب شهید مطهری را خوانده بودم و آیات قرآن را درباره‌ی حجاب را هم مطالعه کرده بودم و همین‌طور کتاب‌های دیگری را در این مورد دیده بودم. دیدگاه‌های امام خمینی (ره) را هم درباره حجاب می‌دانستم. اولش خیلی می‌ترسیدم وقتی حجاب گذاشتم. پارچه‌ای تهیه کرده بودم و برای خودم مانده دوخته بودم و با روسری به خانه‌مان رفتم. مادرم با دیدن من گفت چقدر زیبا شدی. این باعث شد که روی حجاب بیشتر حساس باشم و محکم باشم. این حرف مادرم خیلی روی من تأثیر گذاشت با اینکه او مخالف مسلمان شدن من بود.

—میه رنجبر (ارول، اهل اوکلاهاما)  
به همراه خواهر خود مسلمان شد

حجاب برای من نه تنها زحمت و تحصیل نیست، بلکه یک اصل مسلم و خدشه ناپذیر است که از عقیده‌ام سرچشمه گرفته‌است و در صدمم که عقیده و حجابم را برای همگان ابراز داشته و توضیح بدهم. این من بودم که در حجاب وارد شدم و دریافتم که حجاب یک ارزشی است و ارزش‌های دیگر در کنار حجاب به من ارزانی می‌شود، نه اینکه حجاب بر من تحمیل شده باشد. من خودم این‌طور تصمیم گرفتم.

—زاجیه، بانوی تازه مسلمان از کشور آلمان

منبع: Rahyafte.com

عکس از  
Deddy Yoga Pratama



## به وقت بیداری

برگرفته از برنامه‌ی «از لاک جیغ تا رنگ خدا»

عکس از

Unsplash در Ingmar

نمی‌فهمم؟ من اشتباه می‌کنم؟ من با تربیت غلطی بزرگ شده‌ام؟  
همه‌ی این‌ها را با خودم زمزمه می‌کردم. قصه‌ی من قصه‌ی ادب را از که آموختی از بی‌ادبان بود.

### پرده‌ی سوم: ختم قرآن

خواندن قرآن توفیقی بود که برایم هیچ اجباری نداشت؛ فقط انگار لازم بود کسی به من گوش زد کند. قرآن را دوست داشتم؛ نه این‌که با آن غریبه باشم، نه! ولی آن‌طوری که بخواهم رفیق باشم، نبود؛ به خصوص برای من که کلی کتاب از همه‌ی نویسندگانی که جهان داشتم.

با شروع ماه رمضان، انس گرفتن من با قرآن جدی‌تر شد. هر آیه‌ای که می‌خواندم در دفترم می‌نوشتم و در قرآن‌هایلایت می‌کردم. به‌نظرم خواندن بدون تفکر هیچ فایده‌ای نداشت؛ هر آیه را چند بار می‌خواندم. وقتی رسیدم به آیه‌های سوره‌ی نور، انگار جواب سؤال‌هایی که اطرافم بود را داشتم پیدا می‌کردم. همین شد اولین شروع برای تغییرم.

### پرده‌ی چهارم: ای‌گه‌ما را خوانده‌ای راه‌نشانم بده

باخودم گفتم: خدا دیگه باید چطور راه به من نشان بده؟  
به جواب تمام سؤالاتی که در اطرافم

### پرده‌ی دوم: تلنگر

- زهره، نظرت چیه امشب بریم رستوران؟  
+ موافقم. من ماشین دارم؛ میام دنبالتون.

در مسیر به سمت رستوران، ماشینی که راننده‌ی آن یک پسر بود به ماشینم نزدیک شد. وقتی می‌خواستند شیشه‌ها را پایین بکشند، زدم روی ترمز!

+ می‌دونید چرا این شیشه‌ها دودی هستن؟ برای این‌که داخل ماشین دیده نشه؛ پس حد خودتونو بدونید.

- خیلی املی! ول کن بابا، بیا بریم ماشین سواری.

+ مگه نمی‌خواستیم بریم رستوران؟! اگه نه برگردیم.

احساس کردم که باید الان از این جمع خارج شوم اما شدنی نبود؛ چون نمی‌شد آن‌ها را وسط راه پیاده کنم و بروم. رسیدیم رستوران.

+ بچه‌ها آرام‌تر بخندید؛ اون پسرا دارن به ما نگاه می‌کنن. متوجه نشدید اومدن میز کناری ما نشستن؟

- بیخیال بابا! چقدر حساسی؛ خب بیان نزدیک، مگه چی می‌شه؟

خیلی ناراحت شده بودم و نمی‌دانستم چه کنم؛ هرچه بگویم فایده ندارد. رفتم و آن‌ها را همان‌جا گذاشتم. با خودم می‌گفتم: آیا من واقعا امل هستم؟ من

من زهره فرح روز هستم؛ متولد ۱۳۷۲، دانشجوی رشته‌ی دندان پزشکی.

هیچ‌وقت احساس نیاز به حجاب نمی‌کردم؛ چون همیشه پدرم پشت سرم بود، برادری باغیرت داشتم و همراه خانواده بودم.

### پرده‌ی اول: محوطه‌ی دانشگاه

- فیس‌بوک نداری؟

+ نه.

- واه! می‌خوای برات بسازم؟

+ بساز.

- عکس پروفایلتو چی بذارم؟

+ با همین مانتو و مقنعه یه عکس ازم بگیر دیگه.

- عکس با مقنعه می‌خوای بذاری؟ وای! من عاشق اینم که فیس‌بوک داشته باشم و عکسای بی‌حجابی بذارم.

+ تو که خودت چادری هستی، چطور دوست داری عکس بی‌حجاب بذاری؟

خیلی تعجب کردم از این همه تناقض. بعد از این اتفاق، جبهه‌ی منفی من نسبت به چادری‌ها بیشتر شد. منی که حجاب ندارم، خیلی از این رفتارها را نمی‌کنم؛ با همه‌ی این‌ها برای خودم خط قرمز و چهارچوبی دارم. و این شده بود برایم یک افتخار.

بود، رسیدم.

خانوم دکتر بودند خیلی بیشتر می‌اومد. با چادر سنت رفته بالا، اون طوری خوشگل تر بودی...

### پرده‌ی هفتم: محل کار

برای کسب تجربه، به مطب یکی از دوستان پدرم رفتم. دوست پدرم مرا با همان ظاهر قبل تغییر یادش بود. اول مرا شناخت و بعد از معرفی کردن

- این مدلی می‌خواهی بیای این جا؟!؟

+ بله، مگه اشکالی داره؟ یعنی چی این شکلی می‌خواهی بیای؟

- آخه مریضای ما خیلی با کلاسن، اینو (اشاره به چادر) ببینن می‌خوره تو ذوق شون. تو دکتری، می‌دونی چقدر تبلیغ منفی داره برای کارت.

چشمانم از شنیدن حرف دکتر گرد شده بود. به هر که می‌گفتم این حرف‌ها را شنیدم، به من می‌گفتند:

- بابا تو دیوانه‌ای! شرایط به این خوبی رو می‌خواهی از دست بدی؟

تنها جایی که آرام می‌شدم و از حرف‌های اطرافیانم رها، همین نماز خواندن و صحبت کردنم با خدا بود. آنقدر حالم بد بود که تمام حرف‌هایی که شنیده‌بودم در ذهنم مرور می‌شد. رفتم وضوگرفتم و از خدا خواستم تا راهی برای رهایی‌ام نشان دهد. حدود ۱۰۰ بار ذکر را که بلد بودم زمزمه کردم. وقتی قرآن را باز کردم، این‌گونه آمد: «آن‌ها سوزان و دروغ‌زن و خورندگان مال حرامند؛ اگر به نزد تو آمدند، خواهی میان آن‌ها حکم کن یا روی از آن‌ها بگردان.»

وقتی آیه را دیدم، باخودم گفتم: چه از این بهتر و بیشتر می‌خواستی؟

### پرده‌ی آخر: تو بر ایم بمان!

روزها گذشت و به جمله‌ای از وصیت نامه‌ی شهید چمران رسیدم:

«خدایا همه چیز را از من بگیر؛ همه را از من بگیر بگذار فقط تو بر ایم بمانی، بگذار کسی حرف‌هایم را نفهمد، فقط تو حرف‌هایم را بفهمی.»

برایم خیلی جالب بود. با خودم گفتم: خدایا! تو این حال مرا می‌فهمی و درک می‌کنی؛ اگر دیگران نفهمیدند، مهم نیست.

فهمیدم حجاب نگاه، که سخت‌تر است، خدا اول به آقایان گفته؛ که نگاه نکنید! طی تحقیقاتم فهمیدم آن پهودی که ما را دعوت به مد و بی‌حجابی و آرایش‌های آن‌چنانی می‌کند، دیدم چیزی که برای ما می‌خواهد را برای خودش نمی‌خواهد. دیدم کسانی که به تورات اعتقاد دارند، چیزی مانند چادر دارند.

حالا احساس نیاز کردم نسبت به داشتن حجاب. نگاه‌ها آزارم می‌دهند؛ حتی دودی کردن شیشه‌های ماشین هم نتوانست کمکم کند. بعد از ۸ ماه مطالعه، حالا وقت آن است که چادر بپوشم؛ حالا مطمئنم که این را می‌خواهم و می‌دانم آرامشم در این است. باید تحول را از خودم آغاز کنم. من انتخاب کردم، اما مخالف‌های زیادی هم دارم؛ آن‌ها درجه اول‌های زندگی هستند، به جز پدرم که خیلی خوش حال شد. دارم وارد جوی می‌شوم که اصلی‌ترین آدم‌های زندگی‌م، که با آن‌ها ارتباط دارم، با این مسئله شدیداً مخالف هستند.

### پرده‌ی پنجم: ترک علیق

عاشق لاک زدن بودم. از دیدن من آراستگی و تمیزی بود. در همه حال لاک داشتم؛ موقع نماز پاک می‌کردم و سریع بعد از نماز می‌زدم یا می‌گفتم هر وقت شد نماز می‌خوانم.

داستان بخشیدن پیراهن عروسی حضرت زهرا (س) را شنیدم؛ خیلی روی من اثر گذاشت. داستان را که شنیدم، یک نگاه به لاک‌هایم کردم که از یک آرایشگاه بیشتر بود. با خودم گفتم: زهره، حضرت زهرا (س) لباس عروسی‌اش را بخشید؛ تو حاضر نیستی به خاطر خدا لاکت را کنار بگذاری؟! و این شد که همه را داخل کیسه‌ای ریختم و دور از چشم، داخل کمد گذاشتم...

### پرده‌ی ششم: مخالفت‌های اطرافیان

چادر را سر کردم و باز با موج مخالفت‌های اطرافیانم مواجه شدم. - قبلاً بهتر بودی زهره! اون طوری به



## پای دُنب؟

نیم‌نگاه به زندگی شهیده حجاب، مروه الشربینی

«مروه الشربینی» در سال ۱۹۷۷ میلادی در شهر اسکندریه مصر در خانواده‌ای علمی و تحصیل کرده متولد شد. پدر وی، علی شربینی و مادرش، لیلا شمس هر دو شیمی دان بودند. مروه در سال ۱۹۹۵ از کالج انگلیسی دختران فارغ‌التحصیل شد و سپس در دانشگاه اسکندریه، داروسازی خواند و در سال ۲۰۰۰ در رشته‌ی علوم دارویی مدرک کارشناسی دریافت کرد. وی غیر از موفقیت در زمینه‌ی علمی، در فعالیت‌های ورزشی نیز مشارکت داشت و از سال ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۹ عضو تیم ملی هندبال مصر بود. همسرش، علوی علی اکاز، وابسته‌ی فرهنگی مصر در یکی از دانشگاه‌های آلمان بود و با استفاده از بورسیه‌ی تحصیلی که از موسسه‌ی ماکس پلانک شهر درسدن گرفته بود در رشته‌ی مهندسی ژنتیک مشغول به تحصیل بود. در یکی از روزهای سال ۲۰۰۸ مروه به همراه پسرش در پارک

بازی می‌کرده که الکس دلیو ۲۸ ساله به خاطر حجاب مروه به او توهین می‌کند و حجاب را از سر او برمی‌دارد. مروه به دادگاه مراجعه و اقامه‌ی دعوا می‌کند و دادگاه هم الکس را به ۷۵۰ یورو جریمه، محکوم می‌کند. اما الکس درخواست استیناف دارد و در دادگاه استیناف، در حالیکه مروه دارد به سوالات قاضی پاسخ می‌دهد، به او حمله کرده و با ۱۸ ضربه چاقو، مروه را جلوی چشمان همسر و فرزند خردسالش به قتل می‌رساند. همسر مروه برای دفاع از او به سمت آن‌ها می‌دود ولی با اشتباه (!) پلیس آلمان هدف گلوله می‌شود.

در مصر و کشورهای مسلمان موج اعتراض می‌پیچد و بیکر «شهیده‌ی حجاب»، مروه، طی مراسم باشکوهی در مصر به خاک سپرده می‌شود.

مروه پای اعتقاداتش ماند و به جرم (!) حجاب اسلامی توسط یک نژادپرست، به شهادت رسید ولی نام و یادش تا ابد زنده است.

منابع:

شهیده‌ی حجاب، مجله‌ی اینترنتی نورالهدی

از اتوبان‌های اشتونگارت تا دادگاه «درسدن»، کیهان (شنبه ۲۰ تیر ۱۳۸۸)

گر نگاهی به ما کند زهرا(س)...

رویا احمدیان (فارغ‌التحصیل شیمی)

با چای روضه بود که دل با جلا گرفت  
حال و هوای هیبت تان خوش تراز بهشت  
Fanosgraphy

**خوشبختی یعنی ...** بعضی اوقات فکر می‌کنم چی شد که هیأتی شدم. بعد از مرور خاطرات می‌رسم به دوران کودکی و خانه‌ی مادر بزرگ که همیشه محرم و صفر برنامه داشتند و دسته‌ی عزاداری خانم‌ها می‌آمدند و عزاداری می‌کردند و نذری پخش می‌کردیم. خانه‌ی خاله و دایی هم بساط نذری پهن بود. چون خانواده‌ی مادری شلوغی داریم، هیچ وقت نوبت کمک به ما کوچکترها نمی‌رسید، چون دخترخاله‌ها و دختردایی‌ها بودند. همیشه آرزو داشتیم به یاد حضرت ابوالفضل علیه‌السلام، سقا باشم و آب و چای دست عزاداران اباعبدالله علیه‌السلام بدهم که بلاخره توفیق پیدا کردم.

اوایل ترم اول، محرم شروع شد و دیدم هیأتی برپاست و برای خادمی تنها لازم است اسمم را بدهم! چه چیزی بهتر از این فرصت عالی. محرم سال دوم که در گروه‌های مختلفی فعال شده بودم، یادم هست چند همایش داشتیم که من مسئول برگزاری بودم و از صبح تا قبل از شروع مراسم هیأت سرپا بودم، دودل بودم که بروم هیأت یا نه. با خودم گفتم این همه برای مادیات دنیا تلاش کردی، قدری هم به فکر آخرت باش! دیگر امام حسین علیه‌السلام هم کم نگذاشت؛ هم برکت به دنیایم داد، هم راهی برایم باز شد که سعی کنم عقاید دینی‌ام را پرورش دهم، هم عشق به خودش را در دلم جا داد که از ته دل بگویم: از خوشی‌های جهان هیأت تو ما را بس...

ریحانه، نشریه‌ی هیأت الزهرا (س) دانشگاه صنعتی شریف

صاحب امتیاز: هیأت الزهرا (س) دانشگاه صنعتی شریف

مدیر مسئول: محدثه کافله | سردبیر: زهرا کریم

نگارندگان: زهرا کریم، مطهره فرحمن، زینب محمودی، ریحانه افشاریان، الهام پولادی، محدثه

کافله، فاطمه رضوانی، ریحانه شجاعی، فرنگار دین‌پژوه، زینب خواک، رویا احمدیان

سرپرست تیم ویراستاری: فاطمه شجاعی | صفحه‌آرا: مریم عراقی

باتشکر از: بهاره لطفعلی‌پور، مرجان گوشکتنی

راه‌های ارتباطی

@azzahraasharif @AzzahraaMaktubat

www.azzahraa.ir

آیدی ارتباط با ما: @AzzahraaMaktubat\_kh

محتویات نشریه بیلگه‌ی موضوع رسمی هیأت نیست

